

## بررسی نقادانه کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش

بیژن زارع\*

### چکیده

در این مقاله سعی شده است تا براساس دیدگاه‌های نظری و معیارهای علمی رایج و پذیرفته شده درباب کارکردها و ویژگی‌های مطلوب یک کتاب درسی تخصصی دانشگاهی به بررسی نقادانه شکلی، محتوایی، فنی، و ادبی کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش پرداخته شود. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که این کتاب، در مجموع به لحاظ ارزش‌گذاری براساس معیارهای یادشده، از کیفیت بالنسبه قابل‌قبولی برخوردار است. اما، درعین‌حال برای ارتقاء کیفیت آن لازم است مطالب و فصولی در زمینه‌هایی هم‌چون: روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش شخصیت اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان، ساختار اجتماعی آموزش و جامعه‌پذیری حرفه‌ای و تخصصی دانش‌آموزان، آموزش و پرورش و نابرابری، و آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی بدان افزوده شود. هم‌چنین، درج خلاصه‌ای از مطالب مهم با ارائه پرسش‌هایی برای توسعه تفکر و جست‌وجوگری بیش‌تر مخاطبان و افزودن فهرستی از کتاب‌ها و منابع جدید و روزآمدتر مرتبط با مطالب هر فصل در پایان فصل‌ها می‌تواند بر جذابیت و غنای مطالب کتاب بیفزاید. ضمن این‌که، لازم است بخشی از مطالب هر فصل از کتاب متناسب با موضوع همان فصل به تحلیل وضعیت حال و آینده آموزش و پرورش ایران اختصاص داده شود.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، آموزش و پرورش و نابرابری، آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی، شخصیت اجتماعی مطلوب.

\* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، دکترای تخصصی جامعه‌شناسی

dr\_bizhanzare@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

## ۱. مقدمه

یکی از عناصر اصلی و مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و تناسب نگرش، دانش و مهارت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها با آخرین دستاوردهای علمی، فناوری، و نیاز بازار کار کتاب درسی است. از این رو، برنامه‌های درسی و به تبع آن کتاب‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به‌شمار می‌آیند، آینه نقش‌ها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه دقیق هستند (Altbach 1988). با توجه به رسالت‌ها، اهداف، و نقش آموزش عالی در عصر حاضر، کتاب‌های درسی و به دنبال آن برنامه‌های درسی باید مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند. به طوری که استارک (Stark 1997) اظهار می‌کند، تغییر و اصلاح در برنامه‌های درسی و کتب درسی در کشورها و دانشگاه‌های پیشرفته و تراز اول جهان مطابق با تحولات صورت می‌گیرد. چنین تغییراتی به نظام آموزش عالی کمک می‌کند تا نیازهای مبتلا به جامعه را مورد توجه قرار دهد.

کتاب درسی به منزله مهم‌ترین ابزار آموزش از گذشته‌های دور در خدمت آموزش قرار داشته و با گسترش علوم و پیشرفت‌های حاصل‌شده در فناوری، وضعیت کتاب‌های درسی هم از نظر کیفیت و هم از نظر ویژگی‌های فنی و صوری بهبود چشم‌گیری پیدا کرده است. کتاب درسی در دانشگاه‌ها وسیله‌ای است که استادان برای آموزش به دانشجویان در زمینه‌های درسی مورد نیاز خود از آن استفاده می‌کنند. دانشجویان (آنانی که خصوصیات روحی و روانی ویژه‌ای دارند) جست‌وجوگری را دوست دارند و به نقد اندیشه‌ها، رویکردها، و روش‌ها علاقه نشان می‌دهند برای یادگیری و انجام پژوهش‌های علمی از آن بهره می‌برند (رضی ۱۳۸۰: ۲۲).

با نگاهی به تقسیم‌بندی‌های رایج در زمینه علم از گذشته تاکنون، می‌توان جایگاه علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی را دریافت تا قضاوت بهتری در مورد تأثیر این رشته علمی در روند رشد اجتماعی افراد یک جامعه داشت. سوروکین جامعه‌شناس معروف در یک تقسیم‌بندی، علوم را به سه دسته مکانیک، ارگانیک، و فوق ارگانیک طبقه‌بندی می‌کند و از نظر وی جامعه‌شناسی جزء علوم ارگانیک قرار دارد. از این منظر، نموده‌های اجتماعی و فرهنگی در حقیقت نموده‌های روح و ذهن‌اند که تکامل پیدا کرده‌اند. به نظر سوروکین حقایق اجتماعی یا سوپرارگانیک محصول کنش متقابل افراد انسانی هستند (به نقل از ساروخانی ۱۳۸۰: ۴۳)، که مطالعه آن‌ها موضوع علوم اجتماعی و خاصه جامعه‌شناسی است.

در تقسیم‌بندی دیگر، علوم در دو دسته تفریدی و تعمیمی قرار می‌گیرند که علوم اجتماعی جزء علوم غیرتعمیمی یا تفریدی است (کوزر ۱۳۷۲: ۵۷). درحالی‌که تجربه‌گرایان سعی می‌کنند علوم اجتماعی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی را در ردیف علوم تجربی و تعمیمی قرار دهند. اما، در واقع امر این‌طور نیست (همان: ۴۳).

در علوم اجتماعی در مورد چگونگی رخدادها و مسائل اجتماعی در شرایط مختلف همواره باید به چهار جنبه توجه کرد که شامل تعدد و تکثر عوامل، کمون و اشتراک عوامل، تضاد عوامل نسبت به هم و خاصیت رسانایی علی عوامل نسبت به هم است. این ویژگی‌ها علوم اجتماعی را خاص‌تر از سایر علوم می‌کند؛ چراکه تنها پدیده‌های انسانی‌اند که ابعاد پیچیده و چندبُعدی دارند و در حوزه علوم اجتماعی تحلیل می‌شوند. درحالی‌که انسان در مرتبه یک واحد فیزیولوژیکی موضوع مطالعه زیست‌شناسان و آناتومیست‌ها قرار می‌گیرد، انسان در مرتبه یک واحد اخلاقی موضوع مطالعه الهیون و علمای اخلاق و انسان در مرتبه یک واحد روان‌شناسانه موضوع مطالعه روان‌شناسان و روان‌کاوان و روان‌پزشکان است، علوم اجتماعی توجه خود را به انسان به‌منزله یک واحد اجتماعی معطوف داشته است. به این معنی که انسان در کنش و واکنش با دیگران و محیط اجتماعی است. بر این اساس، هدف علوم اجتماعی واداشتن افراد به مطالعه عینی و موشکافانه زندگی اجتماعی و مواجه کردن افراد با اندیشه‌ها، کنش‌ها، و مسائل پیرامونشان در بهترین حالت است. بنابراین، آموزش علوم اجتماعی و فراگیری آن یک ضرورت انکارناپذیر است.

همان‌گونه‌که می‌دانیم، «دغدغه نظام آموزشی هر جامعه‌ای، تربیت اجتماعی و به حداکثر رساندن روحیه اجتماع‌پذیری برای تحقق اهداف عالی در تشکیل یک اجتماع سالم است» (شارع‌پور و سلیمانی بشلی ۱۳۹۰: ۱۳۴). بنابراین، یکی از اهداف عمده نظام آموزش عالی تربیت شهروندانی شایسته و نیز انسان‌هایی آگاه از مسائل اجتماعی و برخوردار از روحیه پژوهش‌گری، خلاقیت، نقادی، و توان‌مندی‌های لازم در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی و کاربرد آن در زندگی شخصی و اجتماعی است. این مهم باید جزو اهداف آموزش علوم اجتماعی قرار داشته باشد. رویکردی که باید در تدوین اهداف و سازمان‌دهی محتوا و تجربیات یادگیری فرد در تدوین کتاب‌های رشته علوم اجتماعی مدنظر مؤلفان و مترجمان آن‌ها قرار داشته باشد. اهم این اهداف عبارت‌اند از:

۱. مشارکت فراگیر در امر یادگیری؛

۲. تأکید بر مفاهیم اساسی و روش‌ها به‌جای انتقال انبوه واقعیت‌های علمی؛

۳. پرورش معیارها و نگرش‌های مطلوب انسانی؛

۴. ارتباط محتوای کتاب با زندگی روزمره و محیط اجتماعی؛

۵. نگرش سیستمی فرد به جامعه و مسائل آن؛

۶. توسعه تدریجی محیط اجتماعی؛

۷. ترغیب فرد برای اصلاح و تغییر اجتماعی؛

۸. توجه به نیازهای فرد و جامعه.

باتوجه به اصول مداومت و فزاینده‌گی در برنامه‌ریزی درسی که توالی و پیچیدگی تدریجی مفاهیم را می‌طلبد، محتوای آموزش دروس علوم اجتماعی باید باتوجه به توان ذهنی، گرایش‌ها، علایق، و نیازهای فراگیران و میزان هم‌بستگی آن با محتوای آموزشی این دروس منطبق و هماهنگ باشد. گرچه، نوع، نحوه، و محتوای دروس علوم اجتماعی باید براساس سه قلمرو مشخص ذیل تدوین شود (همان).

۱. قلمرو شناختی که صرفاً با فعالیت‌های ذهنی فراگیران در ارتباط است؛

۲. قلمرو مهارتی که با مهارت‌ها و توانایی‌های علمی مرتبط است؛

۳. قلمرو ارزشی که جنبه عاطفی دارد و نگرش‌ها و طرز تلقی‌های اجتماعی افراد را نشان می‌دهد.

در این زمینه، باید به منابعی توجه شود که براساس شناخت و بهره‌گیری از آن‌ها بتوان به‌سوی دست‌یابی به اهداف موردنظر حرکت کرد. اولین منبع جامعه است. در هر جامعه ویژگی‌هایی وجود دارد که باید محور کار قرار گیرد. این محورها عبارت‌اند از: اول، ارزش‌های خاص و عام، مسائل اجتماعی و تحولات اجتماعی‌اند. دوم، فراگیران به‌منزله منبع یادگیرنده که عاملان کنش در همه سطوح‌اند و سوم، دانش که مربوط به زندگی اجتماعی و پدیده‌های اجتماعی و روابط بین این پدیده‌ها با علم اجتماعی است (فونتانو، ۱۳۸۵).

## ۲. اهمیت و ضرورت بررسی موضوع

در جوامع بدوی و سنتی که نهادهای اجتماعی فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی را طی نکرده‌اند آموزش و پرورش به‌مثابه یک نهاد اجتماعی دارای کارکرد خاص شکل نگرفته بود. در این نوع از جوامع آموزش و پرورش، شامل تقلید روزبه‌روز از سال‌خوردگان و بزرگان، آشنایی با فنون موردنیاز، اسطوره‌ها و آگاهی‌های عمومی می‌شد. در حالت عمومی‌تر اکثریت مردم آموختنی‌ها را به‌طور عمده از طریق والدین (براساس تقسیم کار

سنی و جنسی) فرا می‌گرفتند (محسنی ۱۳۹۰). بنابراین، نیازی به تأسیس و استقرار نهاد اجتماعی مستقلی برای آموزش و پرورش کودکان احساس نمی‌شد. ضمن این‌که حجم اطلاعات و دانش بشری در آن حدی نبود که برای حفظ و گسترش آن به نهاد خاصی به نام آموزش و پرورش نیازی احساس نمی‌شد. بنابراین، برای کسب آمادگی لازم برای ورود به جامعه افراد در طی فرایند جامعه‌پذیری مهارت‌ها و اطلاعات موردنیاز و ایفای مسئولیت‌های محوله در خانواده و در کنار والدین، بزرگان و سال‌خوردگان کسب می‌کردند.

اما با توسعه جوامع و پیچیده‌تر شدن اندیشه و معرفت بشری دیگر امکان انتقال مهارت‌ها و دانش بشری از طریق هم‌راهی با بزرگان و سال‌خوردگان امکان‌پذیر نبود. برای حل این مشکل بشر به ابداع زبان نوشتاری پرداخت. با ابداع زبان نوشتاری جامعه بشری امکان ذخیره و ثبت و ضبط منظم تجارب و دانش خود را به دست آورد. نمادهای نوشتاری در ابتدا تنها می‌توانستند بخش اندکی از آنچه را نمادهای گفتاری بیان می‌کردند ثبت و ضبط کنند. ولی زبان‌های نوشتاری به تدریج آن قدر توسعه پیدا کردند که قدرت بیانشان هم‌پایه زبان‌های شفاهی شده و سرانجام خود به صورت یکی دیگر از وسایل مستقل ذخیره اطلاعات انسان‌ها درآمدند، وسیله‌ای که می‌توانست برای ایجاد ارتباط از ورای قید و بندهای مکان و زمان، و حتی به مثابه رسانه‌ای برای آموزش و پرورش یا برای توصیف هنرها و سرگرمی‌های تفریحی مورد استفاده قرار گیرد (نولان و لئسکی ۱۳۸۰).

در طول تاریخ، اهمیت نسبی سه نوع اساسی زبان، زبان جسمی، زبان گفتاری، و زبان نوشتاری با اختلال‌هایی توأم بوده است. زبان جسم با شمول بر ژست‌ها و حرکات نمادین و حالات چهره به احتمال در آغاز پیدایش جوامع انسانی نقش برتری داشته است. بعد تا زمانی بالنسبه نزدیک، نمادهای گفتاری مهم‌ترین وسیله انتقال اطلاعات از شخصی به شخص دیگر، و از نسلی به نسل دیگر بوده‌اند. اما پس از اختراع صنعت چاپ و گسترش سوادآموزی است و کشف کاغذ اهمیت نسبی زبان نوشتاری پیوسته روبه‌افزایش بوده است. یکی از علل مهم این افزایش اهمیت توانایی خاص زبان نوشتاری در عبور از مرزهای زبان و مکان است که تا آن زمان از بزرگ‌ترین موانع تاریخی ارتباطات بشری بوده‌اند. بعدها، با انقلاب صنعتی و ضرورت استفاده از نیروهای با مهارت‌های مختلف از یک‌سو و پیوند تنگاتنگ نوآوری‌های صنعتی از سوی دیگر ضرورت توسعه آموزش و پرورش عمومی و تخصصی از طریق نهادی اجتماعی به نام آموزش و پرورش احساس شد.

یکی از دستاوردهای بزرگ جوامع صنعتی گسترش پرتلاطم امکانات و فرصت‌های آموزشی بوده است. در این جوامع، آموزش‌های رسمی مدت مدیدی است دیگر در

انحصار کودکان یک اقلیت متنفذ نیست. در حال حاضر، نه فقط تمام کودکان مجازند تا ده سال و بیش‌تر از آموزش همگانی و رایگان استفاده کنند، بلکه اغلب ناگزیرند این کار را به انجام برسانند. اگرچه باید گفت مقدار آموزشی که هر فرد دریافت می‌کند تابع عوامل گوناگونی به‌ویژه سطح هوش، انگیزش، تندرستی، تأثیر هم‌گنان، سنت‌های خانوادگی، و منابع مالی خانوادگی است (Jenks et al. 1983).

در جوامع صنعتی امروزی، بسیاری از مشاغل و حتی احتمالاً بیش‌تر آن‌ها پیش‌نیازهای آموزشی دارند، بدین معنا که نگذرانیدن بعضی دوره‌های آموزشی خاص یا نداشتن دیپلم‌های مشخص دست‌یابی بسیاری از افراد باصلاحیت را به آن مشاغل ناممکن می‌سازد. در دنیای امروز، در قلمرو آموزش و پرورش گرایش‌های نیرومندی به‌سوی نوآوری مشاهده می‌شود. هدف نظام آموزش و پرورش و مدارس باید پرورش تفکرخلاق باشد. در آموزش‌های عالی تأکید بر پرورش تفکر خلاق و نوآوری رفته‌رفته به‌صورت کانون‌های اصلی پژوهش و نوآوری درآمده‌اند و از هیئت‌های آموزشی خواسته می‌شود که وقت و انرژی خود را بیش‌تر صرف تحقیق و توسعه تا در آموزش صرف کنند (نولان و لنسکی ۱۳۸۰). بدین ترتیب، باید گفت برای رسیدن به این هدف یکی از ابزارهای مهم وجود کتاب درسی مناسب و روزآمد است.

### ۳. اهداف مطالعه

باید بر این نکته تأکید کرد که مطالعه نقادانه حاضر از یک‌سو، با هدف افزایش آگاهی و شناخت از کم و کیف محتوا و ساختار کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش تألیف دکتر غلام عباس توسلی از انتشارات نشر علماست. و از سوی دیگر، ارزیابی کتاب از حیث شاخص‌های ساختاری و فنی، محتوایی و تخصصی و ادبی، و در نهایت نهادینه‌کردن نقد صحیح و سازنده به‌منزله یک ابزار تقویت و ارتقاء کمی و کیفی کتاب تألیفی است.

### ۴. مرور اجمالی شکل‌گیری حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

اگر بخواهیم تاریخچه مختصری از شکل‌گیری این حوزه از جامعه‌شناسی را مطرح سازیم باید به ابتدای قرن بیستم برگردیم. در این زمان علاقه زیادی برای توسعه شاخه جدیدی از جامعه‌شناسی، با عنوان «جامعه‌شناسی پرورشی» (educational sociology)، به‌وجود آمد. در وهله بعد، این شاخه جدید به‌منزله یک ماده درسی در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا ارائه

گردید. شکل‌گیری این شاخه جدید و راه‌یافتن آن به برنامه درسی دانشگاهی در آمریکا به آرمان‌های ترقی خواهانه و اصلاح طلبانه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی در آمریکا بود. لستر وارد (Lester Ward) معتقد بود که آموزش و پرورش منبع اصلی ترقی آدمی و عامل عمده تغییر در اوست و می‌تواند تعهد اخلاقی و رشد شناختی برای نیل به جامعه بهتر را سبب شود. بدین ترتیب، می‌توان گفت تمرکز اصلی جامعه‌شناسی پرورشی بر موضوعات کاربردی و ارائه سیاست‌ها و توصیه‌های عملی بوده است. اولین کتاب‌های منتشرشده در این زمینه به بررسی رابطه میان جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش می‌پرداختند.

جامعه‌شناسان اولیه کارکردهای مختلفی برای جامعه‌شناسی پرورشی قائل بودند. برخی از مهم‌ترین کارکردها عبارت بودند از:

الف) تحلیل آموزش و پرورش به‌منزله وسیله ترقی اجتماعی؛

ب) کاربرد جامعه‌شناسی در آموزش و پرورش؛

ج) جامعه‌شناسی پرورشی فراهم‌کننده اهداف آموزش و پرورش.

اما جامعه‌شناسی پرورشی تا اواخر دهه ۱۹۲۰ نتوانست یک چهارچوب نظری منسجم و منظمی را ارائه کند. ضمن این‌که در زمینه روش نیز به موفقیت مطلوبی دست پیدا نکرد. در پی این وضعیت، رابرت آنجل (Robert Angel) برای نخستین بار اصطلاح جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (sociology of education) را مطرح ساخت. به عقیده آنجل جامعه‌شناسی پرورشی صرفاً شاخه‌ای از علم محض جامعه‌شناسی است، درحالی‌که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تحلیل علمی فرایندها و الگوهای اجتماعی موجود در نظام آموزشی به‌شمار می‌رود. در واقع، این حوزه جدید از جامعه‌شناسی درصدد بود با استفاده از الگوهای نظری و فنون روش‌شناسی توسعه‌یافته از سوی جامعه‌شناسان به مطالعه نهادهای آموزشی بپردازد. این تغییر رویکرد و محتوا موجب شد تا به‌سرعت در آمریکا، انگلستان، و سایر کشورها جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جای‌گزين جامعه‌شناسی پرورشی شود (Ashley 1969).

## ۵. تعریف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

آموزش و پرورش برای افراد مختلف معانی متفاوت دارد. درحالی‌که، جامعه‌شناسان در تعریف آموزش و پرورش به تمامی ابعاد رسمی و غیررسمی (formal and informal) و ساخت یافته و فاقد ساخت (structural and unstructural) توجه دارند، در اساس جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش را نهادی در نظر می‌گیرند که مانند نهادهای دیگر می‌تواند

مورد تحلیل علمی قرار گیرد. آن‌ها در وهله اول درصدد به‌دست آوردن مجموعه‌ای از اطلاعات قابل اعتماد در مورد آموزش و پرورش‌اند و در وهله دوم در فکر به‌کاربردن یافته‌ها و نتایج خود برای حل معضلات آموزش‌اند.

به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان علی‌رغم آن‌که تحقیقات جامعه‌شناختی آموزش و پرورش در جهت‌های مختلفی انجام پذیرفته است، اما می‌توان چند حوزه عمده را مشخص کرد: کانون اصلی تمرکز جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بر فعلیت‌ها، انعکاس این فعالیت‌ها در ساختار اجتماعی جامعه کلان و نتایج این فعالیت‌ها برای افراد و جوامع است. بر این اساس، حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش شامل مطالعه تقریباً تمامی جنبه‌های مرتبط با تمام سطوح ساختارها و فرایندهای آموزشی در جامعه است، از جمله، خاستگاه خانوادگی، جامعه‌پذیری، معلم و فرایندهای کلاس درس، سازمان‌های آموزشی، سلسله‌مراتب و دستاوردهای آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت را در بر می‌گیرد. این برداشت دقیقاً منطبق با همان ادعایی بود که دورکیم مطرح می‌ساخت. بدین معنا که، آموزش و پرورش یک موضوع کاملاً اجتماعی است و فهم هریک از جوانب آن بدون توجه به نیروهای اجتماعی غیرممکن است.

از ۱۹۸۰ م حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به یکی از محبوب‌ترین حوزه‌های رشته جامعه‌شناسی تبدیل شد. به‌طوری‌که هم اکنون در این زمینه، مجلات معتبر زیادی منتشر می‌شود.

## ۶. قلمرو جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

باتوجه به گستردگی حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌توان بخش‌های مختلف ذیل را در این عرصه از هم متمایز کرد:

۱. رابطه نظام آموزشی با دیگر نهادهای جامعه شامل: رابطه نظام آموزشی با فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی با حفظ وضع موجود، کارکرد نظام آموزش رسمی در اصلاح اجتماعی، کارکرد نظام آموزشی در کنترل اجتماعی، رابطه آموزش و پرورش با طبقه اجتماعی، رابطه نظام آموزشی با افکار عمومی، و سرانجام رابطه متقابل نهاد آموزش و پرورش با سایر نهادهای موجود از جمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ، و ...

۲. فرهنگ مدرسه و روابط انسانی در داخل آن شامل: ماهیت فرهنگ مدرسه و به‌ویژه تفاوت آن با فرهنگ خارج از مدرسه، ماهیت الگوهای قشربندی در درون مدرسه، رابطه



بین معلم و دانش‌آموزان، تحلیل شبکه‌های دوستی، و ساختار آن‌ها در درون نظام مدرسه، الگوهای رهبری و ساختار قدرت در گروه‌های مدرسه‌ای، و ... .

۳. **رابطه بین مدرسه و جامعه شامل:** تحلیل الگوهای ارتباط بین مدرسه و دیگر گروه‌های اجتماعی موجود در ارتباط با تأثیر آن بر سازمان مدرسه، تحلیل ساختار قدرت جامعه و تأثیر آن بر مدرسه، تحلیل رابطه بین نظام مدرسه و دیگر نظام‌های اجتماعی موجود در جامعه، و ... .

۴. **تأثیر مدرسه بر رفتار و شخصیت افراد موجود در آن شامل:** نقش اجتماعی معلم، ماهیت شخصیت معلم، تأثیر شخصیت معلم بر رفتار دانش‌آموزان، نقش مدرسه در رشد سازگاری یا ناسازگاری دانش‌آموز، ویژگی رفتارهای ناشی از وجود محیط خودکامه یا آزاد در مدرسه، و ... .

به‌علاوه دکتر ساها (Saha 1997)، در کتاب دایرةالمعارف بین‌المللی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دو کارکرد عمده زیر را برای جامعه‌شناسی قائل شده است:  
الف) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌منزله مطالعه کنترل اجتماعی، این کارکرد با دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک هم‌چون دورکیم، مارکس، و وبر هم‌خوانی دارد (کوزر و روزنبرگ ۱۳۷۸: ۱۰۷-۱۴۲).

ب) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌منزله مطالعه فرصت (موریش ۱۳۷۳: ۱۵۰-۱۶۸).  
گفتنی است که روش بررسی در این مقاله اسنادی است. ضمن آن‌که برای بررسی دقیق‌تر ابعاد شکلی اثر ۱. کاربرد آموزشی؛ ۲. مؤلفه‌های جامعیت صوری، ابعاد محتوایی اثر ۱. نظم منطقی؛ ۲. تحلیل و بررسی؛ ۳. مبانی و پیش‌فرض‌ها؛ ۴. نحوه به‌کارگیری ابزارهای علمی ۵. اصطلاحات تخصصی؛ ۶. رویکردهای کلی، از جدول حاوی معیارهای اندازه‌گیری موردتأیید «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای امتیازدهی به کتاب در یک مقیاس چهار گزینه‌ای با ضرایب متفاوت استفاده شده است.

#### ۷. معرفی اجمالی کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش: دیروز، امروز، و فردا

این کتاب تألیف دکتر غلام‌عباس توسلی است که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۶ از سوی انتشارات علم در سه بخش و ۱۸ فصل و ۳۹۹ صفحه، و تیراژ ۱۶۵۰ نسخه به ارزش ۳ واحد برای دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی و علوم اجتماعی تألیف شده است. بخش نخست کتاب با عنوان مقدمات و کلیات در مجموع

حدود ۷۷ صفحه است، که دارای یک مقدمه و ۳ فصل بدین شرح است: مقدمه کتاب که در حدود ۳ صفحه است. در این مقدمه، مؤلف محترم به نقش روزافزون آموزش و پرورش در جامعه و رشته جامعه‌شناسی اشاره می‌کند. سپس به ضرورت بررسی جامعه‌شناختی مسائل و مشکلات نظام آموزش و پرورش به منظور تدوین راه‌بردها، سیاست‌ها، و برنامه‌ریزی اجرایی مناسب را گوش‌زد می‌کند. در ادامه، هدف اصلی تألیف کتاب را از یک سو، طرح مباحث با نگاهی جهانی و از سوی دیگر، با نگاهی ملی می‌داند. هم‌چنین، مؤلف محترم در بخش انتهایی مقدمه، به اهمیت مطالعه علمی آموزش و پرورش و مسائل آن اشاره می‌کند. عنوان پایانی مقدمه را تعریف آموزش و پرورش و محدوده آن به خود اختصاص می‌دهد که حدود ۲ صفحه است.

فصل‌های سه بخش نخست کتاب عبارت‌اند از: فصل اول با عنوان «پاره‌ای از نظریات پرورشی از گذشته تا به حال» و چند عنوان فرعی (حدود ۲۱ صفحه)، شامل عهد قدیم، صاحب‌نظران دوران رنسانس، قرن هفدهم، صاحب‌نظران قرن هجدهم، قرن نوزدهم، افکار پرورشی در قرن بیستم، دموکراسی و آموزش و پرورش، و سر انجام آموزش و پرورش برتر چیست و چه اهدافی دارد. فصل دوم کتاب با عنوان «گرایش به جنبه‌های اجتماعی آموزش و پرورش»، در مجموع حدود ۱۴ صفحه از صفحات کتاب را در بر گرفته است. در این فصل، عنوان‌های دیگری هم‌چون رابطه جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، مقایسه نظرات دورکیم و صاحب‌نظران آمریکایی، ماکس وبر، آموزش و کسب پایگاه اجتماعی و آموزش و پرورش و نظرات اجتماعی (در آمریکا) نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند. فصل سوم کتاب با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر آموزش و پرورش»، است که در مجموع حدود ۳۱ صفحه از صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل، عنوان‌های فرعی مورد بحث عبارت‌اند از:

- مطالعه نظام‌مند آموزش و پرورش، خانواده، و خویشاوندی: الف) خانواده به‌عنوان اساس جامعه انسانی ب) خانواده به‌مثابه نخستین عرصه اجتماعی شدن؛
- خانواده به‌منزله بستر استمرار یک فرهنگ واسط، تأثیر مستمر بر تربیت‌پذیری کودک: الف) وجه دوگانه خانواده، ب) ارتباط میان خانواده، اجتماع، و جامعه کل، و پ) خانواده و کارکردهای آن: زوال و تنزل جایگاه؛
- گروه‌های هم‌بازی، محلی، و همسایگی الف) اهمیت بازی از منظر روان‌شناسی، ب) نقش بازی در مهارت‌های دوران بزرگسالی، پ) فرصت‌ها و امکانات برای بازی کردن، و ت) جنبش گروه‌های هم‌بازی در دوره آمادگی؛

- بازی، ورزش و سرگرمی، و ارتباطات الف) ارتباطات، عنصر ضروری ساختن انسان،  
ب) ارتباطات اولیه و ثانویه و تمایز مهم آن‌ها از یکدیگر، پ) «خود» و «جامعه» مترادف  
مفهوم طبیعی - اجتماعی، و سرانجام، هجوم وسایل ارتباطی جمعی؛  
- فرهنگ، نمادها، و مناسک الف) عناصر ساخت اجتماعی، ب) تمایزات اجتماعی و  
کارکرد مثبت آن‌ها؛

- وجوه شاخص و تمایز فرهنگ، ادبیات، و هنر: الف) میراث فرهنگی آگاهانه،  
ب) کیفیت مطلوب کتب، پ) تمامی هنرها و منابع، ج) هنرها و صنایع دستی، چ) مد و  
تبلیغات.

بخش دوم، با عنوان «دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»  
در مجموع حدود ۱۳۰ صفحه، برگرفته ده فصل بدین شرح است: فصل چهارم با عنوان  
«آموزش و پرورش در چشم‌انداز کارکردگرایانه»، در مجموع حدود ۱۰ صفحه است.  
عنوان‌های مورد بحث در این فصل عبارت‌اند از: آموزش و پرورش و کارکرد هم‌بستگی  
اجتماعی، آموزش و پرورش و قواعد اجتماعی، آموزش و پرورش و تقسیم کار اجتماعی،  
نظرات دورکیم و مدرسه جدید: انتقاد از دورکیم، آموزش و پرورش و ارزش‌های عام:  
دیدگاه تالکوت پارسونز، آموزش و پرورش و تخصیص نقش و آخرین مبحث فصل، نقد  
دیویس و مور.

فصل پنجم با عنوان «دیدگاه لیبرال»، در مجموع در حدود ۵ صفحه، از مجموعه  
صفحات کتاب را در بر گرفته است. عنوان‌های دیگر فصل پنجم شامل این موارد است:  
آموزش و پرورش و استعداد انسان، دیدگاه جان دیویی، دیدگاه لیبرالی، و سیاست‌های  
آموزش و پرورش، جامعه بدون مدرسه، ایوان ایلیچ، آرمان آموزش، حقیقت یا واقعیت  
آموزش؟، آموزش و پرورش و مسائل اجتماعی، و مدرسه‌زدایی است. فصل ششم با عنوان  
«چشم‌انداز سوسیال دموکراسی در آموزش و پرورش»، که حدود ۴ صفحه از کل صفحات  
کتاب را به خود اختصاص داده است. در فصل ششم عناوین دیگری بدین ترتیب  
مورد بررسی مؤلف محترم قرار گرفته است: برابری فرصت‌ها، رشد اقتصادی، انتقاد، و  
ارزیابی از تئوری سوسیال دموکراسی: برابری فرصت، مهارت‌های نیروی کار، انتقادهای  
مارکسیست‌ها. فصل هفتم با عنوان «آموزش و پرورش از دیدگاه تضاد»، که در حدود ۵  
صفحه از مجموعه صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. عناوینی که در این فصل  
از سوی مؤلف محترم به بحث گذاشته شده بدین شرح است: تربیت کارآموز در آمریکای

سرمایه‌داری، برنامه پنهان آموزش و پرورش، منافع نظام آموزش و پرورش برای سرمایه‌داری، توهم برابری فرصت‌ها. فصل هشتم با عنوان «هوش، موفقیت آموزشی، و پاداش شغلی»، که در مجموع حدود ۱۳ صفحه از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل عناوین دیگری به ترتیب ذیل مورد بحث قرار گرفته‌اند: نمادهای آموزش و پرورش، نقد و ارزیابی، مبارزه و استقلال نسبی در آموزش و پرورش، انتقاد به استقلال نسبی آموزش از سرمایه‌داری، فراگیری کار، فرهنگ ضد آموزشی، رفتار ضد فرهنگی، فرهنگ کارگری و فرهنگ آموزشی، سرمایه‌داری و فرهنگ آموزشی، ارزیابی و نقد نظریه «پل ویلیز». فصل نهم، با عنوان «آموزش و پرورش رویکرد کنش متقابل نمادین»، حدود ۱۴ صفحه از کل صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. دیگر عنوان‌های مورد بحث در این فصل عبارت‌اند از: خودپنداره و درک معانی، نقش‌های اجتماعی، نوع شناسی، برچسب‌زنی و خودباوری پیروزمندانه، دسته‌بندی و طبقه اجتماعی، پی‌آمدهای طبقه‌بندی دانش‌آموزان، گروه‌بندی دانش‌آموزان هم سطح و هم معلومات کلاس، سازگاری دانش‌آموزان، ارزیابی چشم‌انداز تعامل‌گرا.

فصل دهم کتاب با عنوان «عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی» که در مجموع حدود ۲۲ صفحه از صفحات کتاب را در بر گرفته است. عناوین دیگر فصل عبارت‌اند از:

- جنسیت و پیشرفت تحصیلی، توانایی ذاتی، تأثیر طبقه بر تفاوت در موفقیت تحصیلی  
الف) هوش، طبقه اجتماعی، و موفقیت تحصیلی، ب) هوش چیست؟، ج) فرهنگ و هوش، د) زن‌ها و هوش، ه) خرده‌فرهنگ و موفقیت‌های آموزشی؛

- ارزش‌ها، طبقات، و موفقیت‌های آموزشی، خرده‌فرهنگ‌های طبقاتی و مسائل روش‌شناختی، مدرسه و خانه، تأثیر علاقه والدین به تحصیل فرزندان، اجتماعی‌شدن قبل از مدرسه، معیارهای گفتاری، الگوهای گفتاری و موفقیت‌های آموزشی، انتقادات، محرومیت و فقر فرهنگی و آموزش و پرورش جبرانی، فضاهای برتر آموزشی.

فصل یازدهم کتاب با عنوان «سرمای فرهنگی و تفاوت در موفقیت» در مجموع حدود ۷ صفحه را به خود اختصاص داده است. دیگر عنوان‌های این فصل عبارت‌اند از: کارکرد اجتماعی حذف، جایگاه طبقاتی و امکان دستیابی به تحصیلات آموزشی، دیدگاه ریمون بودون، اثرات اولیه و ثانویه قشربندی اجتماعی، هزینه و فایده تحصیلات، برنامه درسی مشترک و تساوی فرصت. فصل دوازدهم کتاب با عنوان «آموزش و نابرابری» در مجموع حدود ۲۴ صفحه را در بر گرفته است. در این فصل عنوان‌های دیگری بدین ترتیب

مورد بحث قرار گرفته‌اند: فراگیری زبان در سال‌های نخستین زندگی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی، دسترسی به آموزش عالی، دموکراتیزه کردن آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی، برخی نابرابری‌ها در ایران.

فصل سیزدهم کتاب با عنوان «آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی» در حدود ۱۳ صفحه از مجموع صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. عنوان‌های دیگر این فصل عبارت‌اند از: تعریف تحرک اجتماعی، اهمیت مطالعه پیتیریم سوروکین در مورد تحرک اجتماعی، انواع تحرک اجتماعی (تحرک میان‌نسلی، تحرک درون‌نسلی، تحرک جانبی: تحرک جغرافیایی، تحرک دوربرد، تحرک رقابتی)، پایگاه و کانال‌های تحرک اجتماعی، کانال‌های تحرک اجتماعی، نظام‌های انتخاب.

بخش سوم کتاب با عنوان «آموزش و پرورش ایران» نزدیک به نیمی از کل صفحات کتاب یعنی ۱۶۸ صفحه را به خود اختصاص داده است. این بخش در برگرفته ۵ فصل، بدین ترتیب است: فصل ۱۴ با عنوان «نگاهی به گذشته آموزش و پرورش در ایران» در مجموع حدود ۵۲ صفحه را شامل می‌شود. عنوان‌های دیگر فصل عبارت‌اند از: تعلیم و تربیت پیش از اسلام، آموزش و پرورش و طبقات اجتماعی، سازمان تربیتی قبل از اسلام، تعلیم و تربیت بعد از اسلام، دوران آزاداندیشی، دوران محدودیت، دوران مغول، قاجاریه، دوره تحول، سازمان تعلیم و تربیت مؤسسات آن (مسجد، مدرسه، مکتب، خانه)، کتب و مواد درسی، کتب دبیری، دوگانگی تعلیم و تربیت در ایران بعد از اسلام، عصر جدید (دارالفنون، مدارس بعد از دارالفنون، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه، اعزام محصل به خارج، مشروطیت و آموزش و پرورش، کتب و مواد درسی) دوگانگی آموزش و پرورش بعد از تأسیس دارالفنون و تأثیر و تأثر آن، نتیجه. فصل ۱۵ با عنوان «سنجش سطوح مختلف تحصیلی: مسئله روش» در مجموع حدود ۱۹ صفحه از صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. عنوان‌های دیگری که در این فصل به ترتیب مورد بحث قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

- سنجش سطوح مختلف تحصیلی: مسائل متدولوژیک الف) تحصیلات ابتدایی، ب) تعلیمات متوسطه، ج) تعلیمات عالی؛
- ضریب تحصیلی، هرم تحصیلی، تجزیه و تحلیل پویای دوره‌های تحصیلی الف) روش توالی گروهی، ب) در مقیاس فرد؛
- سنجش سطح تحصیلی، تعادل بین سطوح مختلف تحصیلی.

فصل شانزدهم کتاب با عنوان «گسترش سوادآموزی در ایران و توسعه آموزش ابتدایی و متوسطه: مقایسه کشورهای مختلف»، در مجموع ۱۸ صفحه از کل صفحات کتاب را در بر گرفته است. سایر عنوان‌های مورد بحث در این فصل عبارت‌اند از: گسترش سواد در ایران، سابقه آموزش و پرورش در جهان، سابقه آموزش و پرورش در ایران، تحول کمی آموزش در ایران، بررسی عوامل آموزشی، ملاحظاتی در مورد داده‌های مربوط به نظام آموزشی در ایران، نسبت اشتغال به تحصیل در گروه‌های سنی مختلف، آموزش پیش‌دبستانی، آموزش دبستانی، میزان مردودی در آموزش ابتدایی، توزیع سنی دانش‌آموزان در سال اول ابتدایی، آموزش متوسط (راهنمایی، دبیرستان، تربیت معلم، و هنرستان) ملاحظاتی در مورد آمار بی‌سوادی در ایران، منابع. فصل هفدهم با عنوان «بررسی کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران» در مجموع حدود ۵۵ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است. این فصل شامل عنوان‌های دیگری بدین ترتیب است:

- مقدمه، رشد جمعیت و انعکاس آن در افزایش تعداد محصلان و دانشجویان، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در مورد آموزش عالی (الف) دیدگاه ساختی - کارکردی، دیدگاه تاریخی و تطبیقی، دیدگاه انتقادی؛

- کارکردهای مفروض آموزش عالی در ایران ۱. نقش هدایت توسعه، ۲. تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر، ۳. نوآوری، خلاقیت، و گسترش اندیشه، ۴. امکان مبادلات علمی و تکنولوژیک؛

- ساختار آموزش عالی در ایران و روند رشد کنونی، آمارهای سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵ آموزش عالی در ایران، توزیع و ترکیب جمعیت دانشجو در گذشته و حال، ناهماهنگی در سطوح تحصیلی و توزیع بر حسب رشته، برخی شاخص‌های کیفی در آموزش عالی (الف) کمبود هیئت علمی و کادر آموزشی، توزیع تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی بر حسب عنوان دانشگاهی، (ج) دگرگونی در موقعیت زنان در آموزش عالی در دهه ۱۳۷۰، (د) اعضای هیئت علمی مراکز آموزش عالی دولتی بر حسب نوع استخدام.

شاخص فراغت از تحصیل دانشجویان، دانش‌آموختگان نابه‌سامانی و مشکل فارغ‌التحصیلان در حال و آینده، مسئله پژوهش و تولید علمی، شاخص بودجه و هزینه‌ها، نسبت هزینه‌های آموزش عالی به تولید ناخالص ملی (GDP)، نقش آزادی در رشد استعدادها و پیشرفت علمی، آموزش عالی، گذشته، حال، آینده.

فصل هجدهم کتاب با عنوان «جهانی‌شدن و آموزش عالی» حدود ۱۷ صفحه از کل صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. عنوان‌های دیگری که در این فصل مورد توجه و بحث مؤلف محترم قرار گرفته‌اند به ترتیب عبارت‌اند از: مقدمه، جهانی‌شدن پژوهش و توسعه، بعضی از عوامل مؤثر در تولید علم، توده‌ای‌شدن آموزش عالی: توسعه بخش عرضه، دانش تخصصی: توسعه در بخش تقاضا، تولید دانش مشارکتی، تولید دانش مشارکتی: الگویی جدید برای دانشگاه‌ها، انتقال به صنایع علمی، اهمیت خاص خدمات تولیدکنندگان.

عنوان پایانی کتاب عبارت‌اند از: «منابع و مآخذ: الف) منابع فارسی حدود ۳ صفحه و منابع انگلیسی حدود ۸ صفحه.

برای رسیدن به بهره‌وری مطلوب در تألیف کتاب‌های درسی و افزایش کارایی و اثربخشی آن‌ها لازم است کتاب درسی موجود با استفاده از شیوه‌های درست نقد و ارزیابی شوند و برای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف، تلاش‌های مؤثر و نتیجه‌بخش انجام شود. کتاب درسی ویژگی‌ها و ابعاد گوناگونی دارد که داوری درباره کیفیت آن مستلزم ارزیابی همه‌جانبه و نقد و بررسی آن از جنبه‌های مختلف است.

در این مقاله براساس شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب درسی از نظر ظاهری (شکلی)، ساختاری، محتوایی، و زبان موردبررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است داوری نهایی درباره یک کتاب درسی براساس برآیند ارزش‌یابی از همه شاخص‌ها صورت می‌گیرد. علی‌القاعده باید با در نظر گرفتن زمینه‌های عاطفی، شناختی، و مهارتی مخاطبان ارزیابی نهایی صورت گیرد.

**الف) شاخص‌های ارزیابی شکل ظاهری (شکلی):** از آن‌جاکه کتاب درسی ابزار کار دانشجویان است و دانشجویان حداقل یک ترم با آن سر و کار دارند، جذابیت ظاهری کتاب با توجه به خصوصیات روحی و سلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند در برانگیزاندگی امر یادگیری در دانشجویان نقش غیرقابل‌انکاری ایفا کند. بنابراین، در بعد شکلی کتاب توجه به موارد زیر به‌ویژه از سوی ناشر در بدو امر و مؤلف در وهله بعد اهمیت زیادی دارد:

۱. طراحی جلد: از آن‌جاکه روی جلد آینه و ویتترین ورود به درون کتاب است، شایسته است در طراحی جلد از المان‌ها، رنگ‌ها، و تصاویری استفاده شود که بتواند پیام و محتوای کتاب را به‌خوبی به خواننده کتاب انتقال دهد. در این رابطه کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، از یک طراحی ساده برخوردار است. شاید لازم باشد با استفاده از گرافیک‌های خوش‌ذوق و صاحب‌نظران ذی‌ربط در طراحی روی جلد تجدید نظر مناسبی صورت گیرد.

۲. حجم کتاب: حجم کتاب باید به گونه‌ای باشد که بتوان در حالت‌ها و وضعیت‌های متفاوت آن را به راحتی حمل و مطالعه کرد. به لحاظ حجم صفحات، کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش برای یک درس ۲ تا ۳ واحدی از تناسب لازم برخوردار است. اما متأسفانه بین حجم صفحات در برخی بخش‌ها و فصل‌های هر بخش با فصل‌های دیگر، تناسب لازم برقرار نیست. شاید بهتر باشد بعضی از فصل‌ها، مثل فصل ۱۷ به دو قسمت تقسیم شود.

۳. کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) نیز از عوامل جذابیت کتاب است. استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع، اندازه، و رنگ حروف) برای برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آن‌که توجه دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند، موجب چشم‌نوازی صفحات کتاب و جلوگیری از خستگی دانشجو در هنگام مطالعه می‌شود.

علاوه بر کیفیت حروف‌نگاری، کیفیت صفحه‌آرایی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا، زیبایی صفحات زمینه‌ساز بهره‌وری کافی برای ارائه مطالب بیش‌تری است. نحوه چینش نمودارها، جداول، اشکال، و نقشه‌ها در لابه‌لای مطالب کتاب نقش مهمی در کیفیت صفحه‌آرایی دارد. گرافیک با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل چه درگاه و دری را تعبیه کند تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری ۱۳۷۷). علاوه بر موارد بالا، کیفیت صحافی، نوع کاغذ و نوع جلد (کیفیت، جنس جلد، طرح جلد، پشت جلد، و عطف کتاب) باید به گونه‌ای باشد که ضمن استفاده مکرر از کتاب، دچار فرسودگی و تخریب نشود.

در مجموع، کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش به لحاظ معیارهای مرتبط با ارزیابی صوری وضعیت چندان مناسبی ندارد (امتیاز حاصل از مقیاس‌های مربوط به جدول بررسی شکلی اثر حدود ۱۵ از ۴۰ است). مثلاً، درباب تفکیک مطالب مهم از مطالب غیرمهم از حروف متفاوت در متن استفاده نشده است. ضمن این‌که از تصاویر یا جداول یا نمودارهای مرتبط با مباحث مطرح شده برای درک بهتر خوانندگان بهره چندانی گرفته نشده است. این امر به احتمال از یک سو به محدودیت‌های بودجه‌ای و انتشار کتاب با قیمت پایین برای دانشجویان از سوی ناشر محترم برمی‌گردد. و از سوی دیگر، به عدم آشنایی مؤلف به شیوه تدوین علمی کتاب درسی و تفاوت آن با کتاب غیردرسی مربوط است. ولی به نظر می‌آید لازم است مؤسسات انتشاراتی، ضمن انجام ارزیابی‌های مناسب علمی درباب کم و کیف کتاب‌های منتشر شده خود از بدو انتشار تاکنون از دیدگاه صاحب‌نظران و افراد ذی‌نفع، اقدام به بازنگری در سیاست‌های تولید و نشر کتاب‌های خود کند. هم‌چنین، کتاب جامعه‌شناسی



و آموزش و پرورش به لحاظ کیفیت صحافی، نوع کاغذ، جلد کتاب، طرح جلد، و پشت جلد از کیفیت بسیار نامناسبی دارد. اگرچه بسیاری از این موارد به هزینه گزاف چاپ کتاب‌وگرانی کاغذ از یک سو و عدم تیراژ بالا و حساسیت کم خوانندگان کتاب‌ها نسبت به کیفیت بالای یک کتاب و تأثیر آن بر یادگیری بهتر خواننده از سوی دیگر، مربوط می‌شود.

**ب) ارزیابی و نقد شاخص‌های ساختاری:** ساختار کتاب‌های درسی دانشگاهی با توجه به اهداف آموزشی و نوع درس می‌تواند متفاوت باشد. داشتن ساختار مناسب تأثیر در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری او دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد آن دسته از کتاب‌های درسی که سازمان‌دهی بهتری دارند یا سازمان‌دهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می‌سازند، بر میزان فهمیدن به‌خاطر سپردن و به‌کار بستن اطلاعات آموخته‌شده می‌افزایند (ملکی ۱۳۸۴: ۱۳). در مجموع مهم‌ترین معیارهای ارزیابی ساختاری کتاب‌های درسی عبارت‌اند از: (رضی ۱۳۸۸: ۲۲).

۱. رعایت نظام منطقی در طبقه‌بندی فصول اصلی کتاب؛
۲. چینش فصل‌های کتاب در ارتباط با موضوع اصلی کتاب؛
۳. تناسب عناوین هر فصل با موضوع اصلی همان فصل در کتاب؛
۴. میزان انسجام و یک‌پارچگی مطالب و محتوای کتاب با یک‌دیگر؛
۵. توضیح اهداف کلی کتاب و فصل‌های آن برای دانشجویان؛
۶. دارا بودن مقدمه و پیش‌گفتار در ابتدای کتاب؛
۷. داشتن مقدمه و بحث‌های اولیه برای زمینه‌سازی و ایجاد انگیزش کافی در دانشجویان به‌منظور پی‌گیری مطالب بعدی در هر فصل از کتاب؛
۸. ارائه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث در پایان هر فصل از کتاب؛
۹. داشتن پرسش‌ها، تمرین‌ها، و انجام فعالیت‌های موردنیاز برای درک و یادگیری بهتر مطالب کتاب؛
۱۰. استفاده به‌جا از تصاویر، اشکال، جداول، و نمودارهای متناسب با موضوع در کتاب درسی؛
۱۱. ایجاد حس کنجکاوی و جست‌وجوگری در دانشجویان از طریق ارائه تصاویر، اشکال، جداول، و نمودارها در کتاب درسی؛
۱۲. برخورداری کتاب درسی از فهرست منابع در پایان هر فصل یا در پایان کتاب، کتاب‌شناسی، فهرست اعلام و راهنمای مفید، فهرست اصطلاحات، و واژگان دشوار در انتهای هر فصل یا پایان کتاب.

در ارتباط با شاخص‌های ارزیابی ساختاری وضعیت کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، بدین ترتیب است که تقسیم‌بندی فصول کتاب از یک روند و نظام منطقی بالنسبه قابل قبولی برخوردار است. نگاهی به عنوان فصل‌ها و مطالب مورد بحث در آن‌ها، حکایت از این دارد که مؤلف محترم قبل از ورود به مبحث اصلی هر فصل با ارائه یک مقدمه مناسب آمادگی لازم را در خواننده ایجاد می‌کند. ضمن این‌که در بخش مقدمه هدف از طرح مباحث فصل را مطرح کرده است. در مورد تعداد و حجم مطالب مطرح شده در کتاب، ذکر این نکته ضروری است که در هیچ‌کدام از منابع موجود به زبان فارسی به لحاظ کمیت عنوان‌های ارائه شده این‌گونه عمل نشده است. البته این خصوصیت هم می‌تواند حسن و هم عیب تلقی شود. صرف نظر از محاسن قابل توجه کتاب می‌توان کاستی‌هایی هم برای کتاب برشمرد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها بدین ترتیب است: فقدان خلاصه و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل، عدم طرح سؤالات و تمرین‌هایی برای یادگیری بهتر دانشجویان، عدم ارائه منابع تکمیلی برای یادگیری بهتر دانشجویان، فقدان تعریف اصطلاحات و مفاهیم اصلی در پایان هر فصل یا پایان کتاب، عدم استفاده از تصاویر و نمودارهایی که به فهم و درک بهتر مطالب کتاب به دانشجویان کمک می‌کنند، و از همه مهم‌تر نبود فهرست اعلام و اشخاص و مفاهیم و اصطلاحات در انتهای کتاب.

ج) **شاخص‌های ارزیابی محتوایی:** اهداف اصلی هر کتاب درسی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب، ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند (همان: ۲۲). در ارتباط با مجموع امتیازات اخذ شده کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش باید گفت که وضعیت این کتاب چندان مطلوب نیست (۷۴ از ۱۸۴). مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی محتوایی کتاب درسی عبارت است از:

۱. **روزآمدی:** دانش بشر در رشته‌های مختلف به‌طور دائم در حال افزایش و تغییر است. این افزایش و تغییر، ناشی از دستاوردهای جدید و کشفیات تازه علمی یا تغییر در روش و رویکردهاست؛ از این رو کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد و مطالب آن هر چندگاه یک‌بار مورد تجدید نظر قرار گرفته و روزآمد شود.

در ارتباط با بند یک، اگر ملاک روزآمد بودن مطالب کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش را استفاده از منابع جدید نظری و پژوهشی مورداستفاده در تدوین این اثر در نظر بگیریم، نگاهی به تاریخ انتشار و عنوان این منابع در پایان کتاب حاکی از آن است که غالب آن‌ها به نسبت قدیمی‌اند. از سوی دیگر، راه دیگر روزآمد شدن یک منبع درسی،

تجدید نظر در فصل‌بندی و عنوان‌های مورد بحث پس از گذشت چند سال از چاپ آن است. به نظر می‌آید این کار در این کتاب انجام نشده باشد.

۲. **جامعیت:** کتاب درسی در زمینه موضوع مورد نظر خود باید جامع باشد. جامع بودن مطالب کتاب درسی بدین معنا نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی است که به نحوی با موضوع مرتبط است، بلکه بدین معناست که باید با توجه به اهداف کلی و اهداف ویژه و سرفصل‌های هر درس سنجیده شود.

به نظر می‌آید مؤلف محترم کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، با توجه به امکاناتی که از نظر تعداد واحد (تعداد ساعات اختصاص یافته برای ارائه یک کتاب درسی برای طول یک ترم تحصیلی) در اختیار مدرسان آن درس قرار دارد، سعی خود را در تألیف کتاب به کار گرفته‌اند و در حد قابل قبولی از عهده کار بر آمده‌اند. اگرچه در برخی از فصول در طرح مباحث کتاب به خصوص در بخش سوم آن که به گذشته، حال، و آینده آموزش و پرورش ایران می‌پردازند، تحلیلی از مشکلات موجود آموزش و پرورش عمومی و عالی کشور و مکانیزم‌های مناسب برای برون‌رفت از آن‌ها را ارائه نمی‌کنند. ضمن این‌که، باید به امتیاز این کتاب بر سایر کتاب‌های موجود در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نیز اشاره کرد. این امتیاز پرداختن به آموزش و پرورش ایران در فرایند تاریخی از یک‌سو، و بررسی کمیت و کیفیت آموزش عالی و تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی ایران از سوی دیگر است. اگرچه، شاید بهتر می‌بود مؤلف محترم برای ارتقاء کیفیت و روزآمدتر کردن مطالب کتاب به‌ویژه در زمینه آموزش عالی ایران لازم باشد به مقالات مجلات علمی - پژوهشی هم چون *فصل‌نامه انجمن آموزش عالی ایران* و *فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ایران* برای تقویت وجه تحلیلی و مستندات برآمده از مطالعات تجربی مرتبط با آموزش و پرورش ایران در مقاطع مختلف نیز مراجعه می‌کردند. در عین حال باید به این نکته هم اشاره کرد که مهم‌ترین کاستی کتاب فقدان رویکرد توسعه‌ای در طرح مباحث کتاب و وجود برخی اغلاط چاپی در آن، ناهماهنگی و اغتشاش در برخی عنوان‌های اصلی و فرعی و عدم درج یک‌نواخت منابع مورد استفاده در پایان هر فصل است، به گونه‌ای که در وضعیت حاضر در انتهای برخی از فصول منابع مورد استفاده درج و برخی دیگر فاقد منابع مورد استفاده‌اند. البته، این کاستی‌ها چیزی از ارزش کار مؤلف محترم نمی‌کاهد.

۳. **مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس وابسته:** معمولاً هر درس در مجموعه دروس دانشگاهی با برخی دروس دیگر مرتبط است. بعضی درس‌ها پیش‌نیاز درسی دیگرند، یعنی در سلسله طولی با دروس دیگر پیوستگی دارند و بعضی از دروس از ارتباط

هم‌زمانی با هم دارند، یعنی هم‌زمان در یک دورهٔ درسی ارائه می‌شوند. محتوای کتاب درسی باید آن‌گونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته و واحدهای درسی مرتبط را برای دانشجو فراهم آورد (متین ۱۳۸۳). در نظر گرفتن ارتباط طولی و هم‌زمانی یک درس با سایر دروس می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا آن‌ها از یک سو، قدرت تحلیلی مناسبی در تحلیل موضوع پیدا کنند و از سوی دیگر، قدرت آن‌ها را در طراحی پرسش‌هایی برای تحقیق و پژوهش در زمینهٔ موضوع مربوطه افزایش دهد.

در ارتباط با معیار مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس، کتاب *جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش از سوی*، مؤلف محترم با توجه به اشرافی که به سایر حوزه مرتبط داشته‌اند عنوان‌بندی و طرح مطالب مورد بحث به گونه‌ای صورت گرفته است که به نظر می‌آید تاحدی ارتباط طولی و عرضی در نظر گرفته شده است. این وضعیت از یک سو، باعث افزایش قدرت تحلیلی دانشجویان می‌شود و از سوی دیگر، جلو خستگی ناشی از تکراری شدن مطالب برای دانشجویان می‌شود.

۱. **طرح سؤال‌های جدید و گشودن افق‌های تازه:** کتاب درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آنان بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش‌گری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد (مایرز ۱۳۷۴). براساس این معیار علی‌القاعده باید مطالب کتاب *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* به منزلهٔ یک کتاب درسی باید به گونه‌ای تدوین شده باشد که بتواند روحیهٔ انتقادی و پرسش‌گری را در دانشجویان ایجاد و بسط دهد. اما به نظر می‌آید تدوین و تنظیم مطالب در کتاب با چنین رویکردی انجام پذیرفته است. شاهدی بر این مدعا عدم وجود حتی یک سؤال در پایان هر فصل از کتاب است. ضمن این‌که مطالب ارائه‌شده در کتاب به گونه‌ای است که جایی برای شکل‌گیری و تقویت تفکر انتقادی در دانشجویان فراهم نمی‌آورد.

علاوه بر موارد گفته شده، در ارزیابی و نقد هر کتاب به‌ویژه کتاب‌های درسی دانشگاهی چگونگی زبان نوشتاری مورداستفادهٔ نویسنده از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، در یک کتاب درسی دانشگاهی میزان رعایت زبان علمی یک شاخص مهم محسوب می‌شود. زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن، معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی ۱۳۷۸: ۴۴).

دشواری زبان کتاب درسی می‌تواند درک و فهم مطالب آن را به تأخیر اندازد و دانشجویان را نسبت به خواندن آن بی‌رغبت کند. از این جهت، متن کتاب درسی باید از جهت رسا و روان بودن زبان متن سنجیده شود؛ رسا بودن بدین معنا نیست که مانند برخی از کتاب‌ها توضیحات فراوان و مثال‌های خسته‌کننده داشته باشد، بلکه رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوای کتاب درعین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه‌مربوط تهیه و تدوین شود (کاردان ۱۳۸۲: ۱۹). هم‌چنین، روان بودن متن یعنی نثر کتاب از انسجام معنایی برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزاء سخن در جای خود نشانده شود و دوم، میان جمله‌های یک بند و نیز میان بندهای یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار گردد.

عواملی بدین قرار در روانی متن مؤثرند:

۱. استفاده به‌جا از علائم سجاوندی؛
۲. استفاده از جمله کوتاه و پرهیز از کاربرد زیاد جمله‌های مرکب؛
۳. استفاده از بندها و پاراگراف‌های کوتاه؛
۴. پرهیز از به‌کارگیری واژگان و تعبیرات مهجور؛
۵. استفاده از جملات مثبت به‌جای جملات منفی؛
۶. به‌کارگیری کم‌تر جملات معترضه؛
۷. پرهیز از به‌کارگیری ساخت‌های نحوی زبان فارسی کهن؛
۸. پرهیز از سره‌نویسی؛
۹. پرهیز از گرت‌برداری‌های نادرست از زبان بیگانه؛
۱۰. آوردن معادل‌های لاتین اسامی و اصطلاحات خارجی در زیرنویس یا پی‌نوشت.

علاوه بر موارد مذکور معادل‌سازی دقیق برای اصطلاحات تخصصی در کتاب‌های درسی دانشگاهی از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌ویژه، به‌کارگیری معادل‌های مناسب برای اصطلاحات در کتاب‌های علوم انسانی و ارائه تعریفی گویا از معادل‌های برگزیده در پایان کتاب نیز می‌تواند از محاسن کتاب شمرده شود. ضمن این‌که استفاده از رسم‌الخط و میزان رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز از ممیزه‌های یک کتاب درسی خوب دانشگاهی است.

در ارتباط با چگونگی زبان علمی مورد استفاده در تدوین کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش باید گفت که در این باب کیفیت زبان و چگونگی نگارش متن در مجموع و در

غالب فصول تاحدی مطلوب است. اگرچه می‌شد با بهره‌مندی از یک ویراستار مجرب و نمونه‌خوان دقیق و با حوصله بر کیفیت و پاکیزگی متن بیش از این افزود.

## ۸. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، کتاب جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش از مؤلف محترم آقای دکتر غلام‌عباس توسلی، در مجموع از کیفیت مناسبی برخوردار است. ضمن تقدیر از زحمات ایشان در تألیف یک کتاب درسی خوب، انتظار می‌رود برای بهبود کیفیت کتاب به موارد زیر نیز توجه کنند:

۱. افزودن یک فصل مستقل درباره روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.
۲. متأسفانه هیچ مطلبی درباره نقش آموزش و پرورش در تکوین «شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان»، در کتاب آورده نشده است. برای پرکردن این خلأ می‌توان از مطالب فصل نهم کتاب ارزش‌مند جامعه‌شناسی نظم، استفاده کرد (چلبی ۱۳۷۵).
۳. لازم است در همان فصل پیش‌نهادی روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش با توجه به آن‌که مدیران آینده کشور از میان همین دانشجویان انتخاب می‌شوند، با درج عناوین و مطالبی درباره تحقیقات کاربردی و ارزیابی به اهمیت کسب مهارت لازم در این نوع از تحقیقات و جایگاه این نوع از تحقیقات برای انجام پژوهش‌هایی که نتایج آن‌ها برای اصلاح و تکمیل سیاست‌ها و اصلاح برنامه‌های اجرایی در حوزه آموزش و پرورش گوش‌زد شود. زیرا آشنایی و کسب مهارت، در این حوزه از روش‌های تحقیق، به افراد کمک می‌کند تا هم تصمیمات خود را براساس یافته‌های حاصل از تحقیقات کاربردی استوار سازند. بنابراین، لازم است یک بحث اجمالی و مفید در چاپ‌های بعدی کتاب از سوی مؤلف محترم ارائه شود.
۴. یک فصل مجزا با عنوان «ویژگی‌های آموزش و پرورش ایران در پرتو تحقیقات انجام گرفته»، ارائه شود.
۵. در فصل سوم کتاب، یک عنوان جدید به مباحث ارائه‌شده با عنوان ساختار اجتماعی آموزش افزوده شود. در این زمینه مقاله‌ی قانع‌ی راد و ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۹) می‌تواند کارگشا باشد.
۶. در بخش سوم، فصل چهاردهم با عنوان نگاهی به گذشته آموزش و پرورش در ایران لازم است برای جلوگیری از تطویل مطالب از سوی مؤلف محترم اقدام به کوتاه‌ترکردن مناسب مباحث ارائه‌شده صورت گیرد، زیرا در وضعیت فعلی بیش از حد ضروری به طرح مطالب غیرضروری پرداخته شده است.

در پایان، به مؤسسات انتشاراتی که دست‌اندرکار انتشار کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌شده به‌طور عام و کتب درسی دانشگاهی‌اند پیش‌نهاد می‌شود به‌همراه عقد قرار داد با مؤلفان و مترجمان، دستورالعمل مربوطه شیوه‌های علمی تألیف و ترجمه کتاب درسی استاندارد و با کیفیت را ضمیمه کنند. این کار موجب می‌شود تا کتاب‌های با کیفیت، جذاب و روزآمد برای استفاده دانشجویان تهیه و به بازار نشر روانه شود. به‌علاوه، حساسیت بالا در امر ویراستاری به‌خصوص در زمینه ویراستاری فنی، ادبی، و تخصصی، نمونه‌خوانی دقیق، و نظارت دقیق بر فرایند چاپ ازسوی یک ناظر چاپ باتجربه و خوش‌ذوق می‌تواند بخش اعظم کاستی‌های موجود را از بین ببرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. آقای دکتر غلام‌عباس توسلی، استاد صاحب‌نام جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند. ایشان علاوه‌بر کتاب *جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش* دارای تألیفات، ترجمه‌ها و مقالات متعددی در زمینه‌های مختلف جامعه‌شناسی‌اند که برخی از این مقالات در مجلات معتبر خارجی و داخلی چاپ و منتشر شده است. ازجمله کتاب‌های دکتر توسلی می‌توان به کتاب‌های *نظریه‌های جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی کار و شغل* اشاره کرد که ازسوی انتشارات سمت منتشر شده‌اند و بارها تجدید چاپ شده‌اند. هم‌چنین آقای دکتر توسلی علاوه‌بر تربیت شاگردان بسیار که امروزه خود در زمره استادان برجسته جامعه‌شناسی به‌شمار می‌آیند ازجمله بنیان‌گذاران انجمن جامعه‌شناسی ایران و فصل‌نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران هستند.
۲. دکتر بیژن زارع دارای مدرک دکتری تخصصی در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس هستند و دارای مرتبه دانشیاری و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) بوده و بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در رشته جامعه‌شناسی دارند. نام‌برده رساله دکتری خود را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در استان فارس» تدوین کرده‌اند که در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه فرهنگی - اجتماعی از طرف دبیرخانه پژوهش‌های فرهنگی - اجتماعی برگزیده سال، انتخاب و مفتخر به دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهور وقت و دریافت جایزه ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیدند. هم‌چنین، ایشان دارای تألیفات و مقالات علمی - پژوهشی متعددی در مجلات معتبر علمی است. ازجمله علایق ایشان حوزه جامعه‌شناسی جنگ، انقلاب، قشربندی، و نابرابری‌های اجتماعی و آموزش و پرورش است.

## کتاب‌نامه

- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش*، تهران: علم.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، فصل‌نامه سخن سمت، ش ۲۱.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
- شارع‌پور، محمود و محمدرضا سلیمانی بشلی (۱۳۹۰)، «چالش‌های علوم اجتماعی در ایران»، *دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ش ۱.
- قانع‌ی راد، محمدمین و حسین ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۹)، «تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان»، *فصل‌نامه انجمن آموزش عالی ایران*، س ۲، ش ۴، بهار.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲)، «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن»، *فصل‌نامه سخن سمت*، ش ۱۰.
- کوزر، لوییس (۱۳۷۲)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- کوزر، لوییس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی (۱۳۸۰)، *جامعه‌های انسانی*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۰)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: دوران.
- مایرز، چت (۱۳۷۴)، *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
- متین، پیمان (۱۳۸۳)، «کتاب درسی معیار در انگلستان و ویژگی‌های آن»، *فصل‌نامه سخن سمت*، ش ۹۷.
- موریش، ایور (۱۳۷۳)، *درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلام‌علی سرمد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Altbach, P. G. (1988), "Comparative Studies in Higher Education: Postlethwaite", *The Encyclopedia of Comparative Education and National System of Education*, Oxford: Pergamon.
- Ashley, B. J. (1969), *An Introduction to the Sociology of Education*, London: MacMillan.
- Jencks, Christopher et al. (1983), "The Wisconsin Model of Status Attainment", *Journal of Sociology of Education*, no. 56.
- Stark, J. S. et al. (1997), "Program and Level Curriculum Development Research in Higher Education", *Journal of Research in higher Education*, vol. 38.
- Saha, L. J. (1997), "Aspirations and Expectations of Students", L. J. Saha (ed.), *International Encyclopedia of the Sociology of Education*, Oxford: Pergamon.